

آینده برای آمریکا و ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ - شماره شش

پرچم

Jeff Pippenger

2023-09-23

و پس از سه روز و نیم، روح حیات از جانب خدا در آنان داخل شد و بر پاهای خود ایستادند؛ و ترس بزرگی بر کسانی که آنان را دیدند افتاد. و صدای بلندی از آسمان شنیدند که به آنان می‌گفت: به اینجا بالا بیایید. و در میان ابری به آسمان صعود کردند؛ و دشمنانشان آنان را می‌نگریستند. مکاشفه ۱۱:۱۱، ۱۲.

پس از آنکه در خیابان لگدمال می‌شوند، ایلیا و موسی تسلی‌دهنده را دریافت می‌کنند و سپس روی پاهای خود می‌ایستند. استخوان‌های دره حزقیال نخست صدایی می‌شنوند و سپس لرزشی را تجربه می‌کنند، اما هنوز نفسی در آنان نیست.

پس چنان‌که مأمور شده بودم، نبوت کردم؛ و چون نبوت می‌کردم، صدایی برخاست و ناگاه لرزشی پدید آمد، و استخوان‌ها، استخوان به استخوان خود، به هم آمدند. و چون نگرستم، اینک پی‌ها و گوشت بر آنها رویید و پوست بر آنها کشیده شد؛ اما روحی در آنها نبود. حزقیال ۷:۳۷، ۸.

هنگامی که پیکرها از نو شکل گرفته‌اند، پیام چهار باد را می‌شنوند.

آنگاه او به من گفت: ای پسر انسان، بر باد نبوت کن، نبوت کن و به باد بگو: خداوند خدا چنین می‌گوید: ای روح، از چهار باد بیا و بر این کشتگان بدم تا زنده شوند. پس چنان‌که به من فرمان داده بود نبوت کردم، و روح در ایشان درآمد و زنده شدند و بر پاهای خود ایستادند؛ لشکری بسیار عظیم. حزقیال ۳۷:۹، ۱۰.

همه پیامبران به پایان جهان اشاره می‌کنند، از این رو بخشی از کتاب حزقیال برای کسانی که می‌خواهند از پیام دو پیامبر مکاشفه باب یازدهم طفره بروند، دوراهی‌ای پدید می‌آورد. البته برای کسانی که می‌خواهند آن پیام را رد کنند، ساده‌ترین دروغی که می‌توانند به خود بگویند این است که مکاشفه باب یازدهم فقط روایتی تاریخی است که انقلاب فرانسه را نمایندگی می‌کند و هیچ ارتباطی با پایان جهان ندارد. اما اگر این پیش‌فرض را بپذیرید که حتی مکاشفه باب یازدهم نیز پایان جهان را مشخص می‌کند، آنگاه باید با این واقعیت کنار بیایید که لشکر نیرومند پایان جهان که پیام فرشته سوم را با فریادی بلند اعلام می‌کند، پیش از آن‌که به عنوان لشکر خدا قد علم کند، به عنوان مرده و سپس برخاسته از مرگ معرفی می‌شود.

آنگاه به من گفت: ای پسر انسان، این استخوان‌ها تمامی خاندان اسرائیل‌اند: اینک می‌گویند: استخوان‌های ما خشکیده است و امیدمان از دست رفته است؛ ما به کلی منقطع شده‌ایم. پس نبوت کن و به ایشان بگو: خداوند خدا چنین می‌گوید: اینک، ای قوم من، قبور شما را می‌گشایم و شما را از قبورتان برمی‌آورم و شما را به سرزمین اسرائیل می‌آورم. و خواهید دانست که من خداوند هستم، هنگامی که، ای قوم من، قبور شما را بگشایم و شما را از قبورتان برآورم، و روح خود را در شما خواهم نهاد و زنده خواهید شد و شما را در سرزمین خودتان قرار خواهم داد؛ آنگاه خواهید دانست که من، خداوند، آن را گفته و به انجام رسانیده‌ام، می‌گوید خداوند. حزقیال ۳۷:۱۱-۱۴.

مسیح با ابر به آسمان عروج کرد و با ابرها بازمی‌گردد، و ابرها نمایانگر فرشتگان هستند. موسی و ایلیا در ابر به آسمان عروج می‌کنند که نمایانگر پیام فرشته سوم است؛ همان فرشته‌ای که در میانه

آسمان، هنگام قانون یکشنبه در ایالات متحده، پرواز می‌کند. موسی و ایلیا در هنگام قانون یکشنبه، در ارتباط با پیامی از اسلام، به آسمان عروج می‌کنند.

اشعیا بسیاری از حقایق مرتبط با این تاریخ را بیان می‌کند، آن هم در همان بخشی که عیسی برای معرفی رسالت خود به آن استناد کرد. او پیامبران ایلیا و الیشع را به‌عنوان نمونه‌هایی از پذیرفته‌نشدن پیام نبوی از سوی هم‌میهنان خودشان مطرح کرد، و این امر فوراً اهل کلیسای ناصره را به خشم آورد و آنان در پی کشتن او برآمدند.

روح خداوند بر من است؛ زیرا خداوند مرا مسح کرده است تا به فروتنان بشارت دهم؛ مرا فرستاده است تا دل‌شکستگان را التیام بخشم، برای اسیران آزادی را اعلام کنم و گشودن زندان را برای دربندان؛ تا سال پسندیده خداوند را اعلام کنم و روز انتقام خدای ما را؛ تا همه ماتمیان را تسلی بخشم؛ تا برای ماتمیان صهیون مقرر کنم که به‌جای خاکستر، زیبایی، و به‌جای عزا، روغن شادمانی، و به‌جای روح اندوه، جامه ستایش را به ایشان بدهم؛ تا درختان عدالت خوانده شوند، غرس خداوند، تا او تمجید شود. و خرابه‌های دیرینه را بنا خواهند کرد؛ و ویرانی‌های نخستین را برپا خواهند داشت؛ و شهرهای ویران را، که ویرانی نسل‌های بسیار بوده است، باز خواهند ساخت. و بیگانگان خواهند ایستاد و گله‌های شما را خواهند چراند، و پسران بیگانه برای شما شخم‌زن و باغبان تاکستان خواهند بود. اما شما کاهنان خداوند نامیده خواهید شد؛ مردمان شما را خادمان خدای ما خواهند خواند؛ ثروت امت‌ها را خواهید خورد و در جلال ایشان فخر خواهید نمود. زیرا به‌جای ننگ شما، دوچندان خواهید داشت؛ و به‌جای رسوایی، در نصیب خود شادی خواهید کرد؛ از این‌رو در سرزمین خویش دوچندان را مالک خواهید شد؛ و شادمانی جاودان بهره شما خواهد بود. زیرا من، خداوند، داوری را دوست دارم؛ از غارت برای قربانی سوختنی بیزارم؛ و کار شما را در راستی هدایت خواهم کرد و با شما عهدی جاودانی خواهم بست. و نسل شما در میان امت‌ها شناخته خواهد شد، و ذریه شما در میان مردمان؛ هر که شما را ببیند تصدیق خواهد کرد که شما همان نسلی هستید که خداوند برکت داده است. من در خداوند بس شادمان خواهم بود؛ جانم در خدایم شادی خواهد کرد؛ زیرا مرا به جامه‌های نجات پوشانیده و با ردای عدالت درپوشانیده است؛ چنان‌که داماد به زیور آراسته می‌شود و عروس به جواهرات خود آراسته می‌گردد. زیرا چنان‌که زمین جوانه خود را می‌رویاند، و چنان‌که باغ آنچه در آن کاشته شده است می‌رویاند، همچنین خداوند خدا عدالت و ستایش را در برابر همه امت‌ها خواهد رویاند.

برای خاطر صیون خاموش نخواهم ماند، و برای خاطر اورشلیم آرام نخواهم گرفت، تا عدالت او چون درخشندگی بیرون آید و نجات او چون چراغی که می‌سوزد. امت‌ها عدالت تو را خواهند دید و همه پادشاهان جلالت را خواهند دید؛ و تو به نامی تازه خوانده خواهی شد که خداوند آن را بر زبان خواهد آورد. تو نیز تاجی از جلال در دست خداوند، و افسری سلطنتی در دست خدای خود خواهی بود. دیگر تو را «ترک‌شده» نخواهند نامید و سرزمینت را دیگر «ویران» نخواهند گفت؛ بلکه تو را «حفصیه» و سرزمینت را «بعوله» خواهند خواند، زیرا خداوند در تو مسرور است و سرزمینت به زناشویی درخواهد آمد. زیرا چنان‌که جوانی با دوشیزه‌ای زناشویی می‌کند، پسرانت با تو زناشویی خواهند کرد؛ و چنان‌که داماد بر عروس شادی می‌کند، خدای تو نیز بر تو شادی خواهد کرد. ای اورشلیم، بر دیوارهایت دیده‌بانان گمارده‌ام که شب و روز هرگز خاموش نخواهند شد؛ ای شما که خداوند را پاد می‌کنید، خاموشی مگزینید، و به او آسایش مدهید تا استوار سازد و تا اورشلیم را در زمین مایه ستایش گرداند. خداوند به دست راست خود و به بازوی قوت خویش سوگند خورده است: هرآینه غلّه‌ات را دیگر به خوراک دشمنانت نخواهم داد، و پسران بیگانه شراب تو را که برای آن رنج برده‌ای نخواهند نوشید؛ بلکه آنان که آن را گرد آورده‌اند، آن را خواهند خورد و خداوند را خواهند ستود، و آنان که آن را جمع کرده‌اند، آن را در صحن‌های مقدس من خواهند نوشید. از دروازه‌ها بگذرید، بگذرید؛ راه قوم را مهیا کنید؛ شاهراه را هموار کنید، هموار کنید؛ سنگ‌ها را بردارید؛ برای قوم پرچمی برافرازید. اینک، خداوند تا کرانه‌های جهان اعلام کرده

است: به دختر صیون بگویند: اینک، نجات می‌آید؛ اینک، مزد او با اوست و کار او پیش روی او. و آنان را «قوم مقدس»، «رها یافتگان خداوند» خواهند خواند؛ و تو را «مورد جست‌وجو»، «شهری که ترک نشده است» خواهند خواند. اشعیا ۶۱:۱-۶۲:۱۲.

خداوند با آن صد و چهل و چهار هزار نفری که پیش‌تر «ترک‌شده» بودند، وارد «عهدی جاودانی» می‌شود، اما سپس به «شهری» بدل می‌شوند که «ترک نشده است». آنان «ویران» بودند و در خیابان مرده بودند. اشعیا آنان را «کاهنان خداوند»، «خادمان خداوند»، «قومی مقدس» و «نگهبانان بر دیوارهای صهیون» معرفی می‌کند.

در مقابل کسانی که بر جنازه‌هایشان شادی کردند، خدا آنگاه بر آنان شادمان می‌شود «چنان‌که داماد بر عروس شادی می‌کند». آنگاه عروس آماده شده است. همان‌گونه که در وعده به فیلادلفیا، خداوند به ایشان «نامی نو» می‌بخشد و نامشان را «حَفْصِیبه» و «بیولا» می‌نامد. «حَفْصِیبه» یعنی «خوشنودی من در اوست» و «بیولا» یعنی «ازدواج کردن». خداوند با کسانی که ایلیا و موسی نماینده آنانند ازدواج می‌کند.

کاری که به آنان سپرده شده این است که با موعظه «بشارت» مسیح و عدالت او «تا انقضای عالم»، راه را برای بازگشت دوم مسیح آماده کنند. آنان در افاضه روح از سوی تسلی‌دهنده مسح شده‌اند و سپس «چون علمی» برافراشته خواهند شد، چنان‌که «ندایی عظیم از آسمان» به آنان می‌گوید: «به اینجا بالا بیاوید». آنگاه در دست خداوند «چون تاجی از جلال» و «دیپیمی سلطنتی» خواهند بود. زکریا همان تاج را به منزله علمی معرفی می‌کند و نیز این واقعه را در زمان باران پسین قرار می‌دهد.

و خداوند، خدای ایشان، ایشان را در آن روز همچون گله قوم خود نجات خواهد داد؛ زیرا آنان چون سنگ‌های تاج خواهند بود که بر سرزمین او چون علمی برافراشته شده‌اند. زیرا چه عظیم است نیکویی او و چه بزرگ است جمال او! غله به جوانان نشاط خواهد بخشید و شراب نو نیز به دوشیزگان نشاط خواهد بخشید. از خداوند در وقت باران پسین باران بخواهید؛ پس خداوند برق‌ها را پدید خواهد آورد و به ایشان باران‌های رگباری خواهد داد و به هر یک علفی در صحرا. زکریا ۹:۱۶ تا ۱۰:۱

آنان «رمه قوم او» خواهند بود، اما خداوند رمه دومی نیز دارد که در آن هنگام هنوز در بابل‌اند و او آنان را نیز فراخواهد خواند. کار آنان این خواهد بود که خرابه‌های «کهن» و «ویرانی‌های» نسل‌های بسیار را بازسازی کنند. آنان کسانی خواهند بود که باز می‌گردند و راه‌های کهنی را که در درون ادونتیسیم و بیرون از ادونتیسیم رد شده و پوشانده شده‌اند، احیا می‌کنند. آنان به حقایق بنیادین میلریتی بازخواهند گشت و آن‌ها را در خلوصشان به ادونتیسیم لائودیکیه‌ای ارائه خواهند کرد و نیز پیامی را به کسانی که بیرون از ادونتیسیم هستند درباره حقایق «کهن» مرتبط با شریعت خدا، به ویژه سبت، ارائه خواهند کرد. در این کار، از تاریخ‌های نسل‌های بسیار برای به تصویر کشیدن تاریخ نو استفاده خواهند کرد. کار آنان در دوران باران دیر هنگام، وقتی که داورهای خدا در زمین است، انجام خواهد شد. وقتی خداوند با دست راست خود آنان را چون علمی برافرازد، تمام جهانیان که پیش‌تر بر اجسادشان که در خیابان‌ها افتاده بودند شادمانی کرده بودند، آن علم را خواهند دید و شیپور هشدار نگهبانان را خواهند شنید.

ای همه ساکنان جهان و باشندگان زمین، بنگرید، هرگاه او پرچمی بر کوه‌ها برافرازد؛ و هرگاه در شیپور بدمد، بشنوید. اشعیا ۱۸:۳

در فصل یازدهم مکاشفه، وقتی کسانی که بر پیکرهای مرده ایشان شادی می‌کردند دیدند که آنان برخاستند، «ترس عظیمی بر آنان که ایشان را دیدند فرو افتاد».

آنگاه آشور به شمشیر خواهد افتاد، نه به دست مردی زورآور؛ و شمشیری، نه از آن مردی پست، او را خواهد بلعید. اما او از برابر شمشیر خواهد گریخت و جوانانش در هم شکسته خواهند شد. و از ترس به دژ استوار خود پناه خواهد برد، و امیرانش از علم به وحشت خواهند افتاد، می‌گویند خداوند، که آتش او در صهیون است و کوره‌اش در اورشلیم. اشعیا ۸:۳۱، ۹.

تمام شهادت‌های نبی در کتاب مکاشفه گرد هم می‌آیند. آشوری نمایانگر پادشاه شمال در دانیال باب یازدهم، آیات ۴۰ تا ۴۵ است که به پایان خود می‌رسد و کسی یاری‌اش نمی‌کند. هرگاه آن صد و چهل و چهار هزار نفر، که نگهبانان خدا هستند، شیپور را به صدا درآورند، تمام جهان خواهد شنید و به هراس خواهد افتاد. آنانی که به وسیله دو نبی نمایانده شده‌اند، از سوی تسلی‌دهنده «مسح» خواهند شد تا «مژده نیکو» را اعلام کنند؛ همان «خبرهایی از مشرق و از شمال» که در دانیال باب یازدهم، آیه ۴۴، پادشاه شمال را «مضطرب می‌سازد» و آغاز آزار و اذیت بحران قانون یکشنبه را نشان می‌دهد. در آن زمان امت‌ها به پیام «از بابل بیرون آید» پاسخ خواهند داد و خواهند آمد تا به کاهنان خداوند بپیوندند، که همچنین به صورت «ریشه یسی» نمایانده شده‌اند، و بدین‌سان روش کتاب مقدسی‌ای را که برای ارائه پیام هشدار به امت‌ها به کار خواهند برد، مشخص می‌کند.

و در آن روز، ریشه‌ای از یسی خواهد بود که به منزله علمی برای قوم‌ها برپا خواهد شد؛ امت‌ها در پی او خواهند بود و جایگاه آرامش او پرجلال خواهد بود. و در آن روز واقع خواهد شد که خداوند بار دیگر، برای بار دوم، دست خود را دراز کند تا بازمانده قوم خویش را که باقی مانده‌اند بازآورد: از آشور و از مصر و از پاتروس و از کوش و از علام و از شینعار و از حمت و از جزایر دریا. و او برای امت‌ها علمی برافراشته خواهد کرد و رانده‌شدگان اسرائیل را گرد خواهد آورد و پراکنندگان یهودا را از چهار گوشه زمین جمع خواهد کرد. اشعیا ۱۱:۱۰-۱۳.

خداوند در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ قوم خود را با پیامی گرد آورد که حمله اسلام را به‌عنوان فرا رسیدن وای سوم معرفی می‌کرد. خداوند بار دیگر، برای بار دوم، پس از آن‌که آنان در خیابان مرده بودند، قوم خود را گرد می‌آورد. وقتی چنین می‌کند، گردآمدگان به‌عنوان «رانده‌شدگان اسرائیل»، «پراکنده‌شدگان یهودا» شناخته می‌شوند. آنان در ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ به خیابان‌ها رانده شدند، اما برای بار دوم گردآوری می‌شوند تا بیرقی باشند که گله دیگر خدا را که هنوز در بابل‌اند، گرد می‌آورد. گردآوری آنان که هنوز در بابل‌اند از قانون یکشنبه در ایالات متحده آغاز می‌شود، که دومین ندا از میان دو ندا در مکاشفه باب هجدهم است.

نخستین گردآوری در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ روی داد، آنگاه که اسلام به ایالات متحده ضربه‌ای وارد کرد. به‌عنوان درفشی که بناست برای بار دوم گردآوری شود، آنان به‌صورت ریشه‌ی یسی نمایانده می‌شوند؛ نمادی که کار آلفا و امگا را نمایندگی می‌کند و پایان چیزی را با آغاز چیزی نشان می‌دهد. نخستین گردآوری با ضربه‌ای اسلامی بر ایالات متحده مشخص شد و ضربه‌ای اسلامی بر ایالات متحده را به‌عنوان گردآوری دوم نشان داده و معرفی می‌کند. هنگامی که ریشه‌ی یسی به‌عنوان درفشی برای امت‌ها برپا شود، "آرامش" او باشکوه خواهد بود، زیرا آن درفش کسانی را که هنوز در بابل‌اند به راه قدیم کتاب مقدسی سبت روز هفتم بازخواهد گرداند و بدین‌سان برافراشتن درفش برای امت‌ها را در هنگام بحران قانون یکشنبه نشان خواهد داد.

«علم» ابتدا فرایند تطهیری را تجربه می‌کند که در ملاکی باب سوم، در دو پاکسازی هیکل از سوی مسیح، و البته در مثل ده باکره در پایان جنبش میلری به تصویر کشیده شده است. فرایند تطهیر آغازین در پایان عیناً و مو به مو تکرار می‌شود و به وسیله اشعیا در پیوند با لوحی یگانه که در کتابی بدان اشاره شده، بازنمایی می‌شود. عصیان ادونتیسیم همان لوح جعلی است که در سال ۱۸۶۳ تهیه شد تا دو لوح یادشده در کتاب حبقوق باب دوم را رد کرده و جایگزین کند.

اکنون برو، آن را پیش روی ایشان بر لوحی بنویس و آن را در کتابی ثبت کن، تا برای زمان‌های آینده تا ابدالآباد بماند: که این قومی است یاعی، فرزندانِ دروغ‌گو، فرزندانِ که شریعتِ خداوند را نمی‌شنوند؛ که به بینایان می‌گویند: مبینید؛ و به پیامبران: نبوتِ راست بر ما مکنید، سخنان خوشایند به ما بگویید، پیشگویی‌های فریبنده کنید. از راه کنار بروید، از مسیر منحرف شوید، قدوس اسرائیل را از پیش روی ما دور کنید. از این رو، قدوس اسرائیل چنین می‌گوید: چون این کلام را خوار شمردید و بر ستم و کژی اعتماد کرده و بر آن پابرجا ماندید، پس این گناه برای شما چون شکافی خواهد بود آماده فرو افتادن، برآمده در دیواری بلند، که شکستش ناگهان در یک دم فرا می‌رسد. و آن را چون ظرف کوزه‌گران که ریزیز می‌شود خواهد شکست؛ رحم نخواهد کرد، چنان‌که در شکستگی آن حتی پاره‌سفالی یافت نشود تا از اجاق آتشی بردارد یا از چاه آبی بکشد. زیرا خداوند خدا، قدوس اسرائیل، چنین می‌گوید: در بازگشت و آرامی نجات خواهید یافت؛ در سکوت و اعتماد، قوتِ شما خواهد بود؛ اما نخواستید. بلکه گفتید: نه، زیرا بر اسبان خواهیم گریخت؛ از این رو خواهید گریخت؛ و گفتید: بر اسبان تیزرو خواهیم تاخت؛ از این رو تعقیب‌کنندگان شما تیزرو خواهند بود. هزار نفر از توییخ یک نفر خواهند گریخت؛ از توییخ پنج نفر خواهید گریخت، تا آن‌که چون نشانه‌ای بر قله کوهی و چون پرچمی بر تپه‌ای تنها بمانید. و از این رو خداوند درنگ خواهد کرد تا بر شما فیض نماید، و از این جهت سرافراز خواهد شد تا بر شما رحمت آورد؛ زیرا خداوند خدای داوری است؛ خوشا به حال همه آنان که برای او انتظار می‌کشند. زیرا قوم در صهیون، در اورشلیم، ساکن خواهند شد؛ دیگر گریه نخواهی کرد؛ به آواز فریادت بسیار بر تو ترحم خواهد کرد؛ چون بشنود، تو را پاسخ خواهد داد. اشعیا ۸: ۳۰-۱۹.

در سال ۱۸۶۳، ادونتیسیم فرایند رد کردن پیام نبوی ویلیام میلر را - آن‌گونه که بر دو لوح مقدس حقیق نمایانده شده بود - آغاز کرد. عیسی پایان را با آغاز نشان می‌دهد. در این فراز، شورشیان آغاز ادونتیسیم همچنین نماینده شورشیان پایان ادونتیسیم‌اند. در هر دو مورد، این شورش نمایانگر رد پیام نبوی و روش‌شناسی هر دوره است، آنگاه که به «بینایان» می‌گویند: «نبینید»، و به «پیامبران»: «برای ما چیزهای درست را پیشگویی نکنید؛ سخنان خوشایند برای ما بگویید، فریب‌ها را پیشگویی کنید.»

آن‌ها همچنین هنگامی که اعلام می‌کنند: «از راه کنار بروید، از مسیر روی‌گردان شوید، قدوس اسرائیل را از پیش روی ما بردارید»، تصمیم می‌گیرند راه را ترک کنند. راه پارسایان همان «راه‌های کهن» ارمیا، فصل ششم، آیات شانزده و هفده است. سرکشان تصمیم می‌گیرند نه در حقایق بنیادین گام بردارند و نه به آوای شیپوری گوش بسپارند که دیدبانان برپا شده آن را می‌دمند؛ دیدبانانی که نمایانگر جنبش میلریتی و جنبش فیوچر فور آمریکا هستند.

چنین می‌گوید خداوند: در راه‌ها بایستید و بنگرید، و از راه‌های دیرینه بپرسید که راه نیکو کدام است؛ در آن راه بروید و برای جان‌های خود آرامی خواهید یافت. اما گفتند: در آن راه نخواهیم رفت. و نیز بر شما نگهبانانی گماشتیم که می‌گفتند: به صدای کرنا گوش فرا دهید. اما گفتند: گوش نخواهیم سپرد. از این رو، ای امت‌ها، بشنوید، و ای جماعت، بدانید آنچه در میان ایشان است. ای زمین، بشنو: اینک بلایی بر این قوم می‌آورم، یعنی ثمره افکارشان را، زیرا به سخنان من گوش نسپردند و شریعت مرا نپذیرفته‌اند، بلکه آن را رد کرده‌اند. ارمیا ۱۶: ۶-۱۹.

امتناع سرکشان از گام برداشتن در راه‌های قدیم همچنین چنین بازنمایی می‌شود که میل دارند کاری کنند که «قدوس اسرائیل از پیش رویشان دور شود»، و این امر بیانگر رد پیام فریاد نیم‌شب است؛ پیامی که بر آلفا و امگا مبتنی است و پایان ادونتیسیم را با آغاز آن به تصویر می‌کشد.

آنها نوری درخشان داشتند که در ابتدای راه، پشت سرشان نصب شده بود؛ فرشته‌ای به من گفت این همان «فریاد نیمه‌شب» بود. این نور بر سراسر راه می‌تابید و برای پاهایشان روشنایی فراهم می‌کرد تا نلغزند.

اگر چشم‌های خود را بر عیسی که درست پیشاپیششان بود و آنان را به سوی شهر رهبری می‌کرد دوخته نگاه می‌داشتند، در امان بودند. اما دیری نگذشت که برخی خسته شدند و گفتند شهر بسیار دور است و آنان انتظار داشتند پیش از این وارد آن شده باشند. آنگاه عیسی با بلند کردن بازوی راست پرچالش آنان را دلگرم می‌کرد، و از بازوی او نوری برمی‌خاست که بر فراز گروه ظهور موج می‌زد، و آنان فریاد می‌زدند: «هللویا!» دیگران با شتاب‌زدگی نور پشت سرشان را انکار کردند و گفتند این خدا نبود که آنان را تا اینجا رهبری کرده بود. نور پشت سرشان خاموش شد و پاهایشان را در تاریکی مطلق رها کرد، و آنان لغزیدند و نشانه و عیسی را از نظر دادند و از راه به پایین، به درون دنیای تاریک و شریر زیر پا، سقوط کردند. تجربه و تعالیم مسیحی الن جی. وایت، ۵۷.

فرایند تطهیری که با فریاد نیمه‌شب نمایانده می‌شود، دو گروه از پرستندگان پدید می‌آورد، و باب سی اشعیا، فقدان روغن باکره‌های نادان را به صورت ناتوانی در گردآوری آب یا آتش نشان می‌دهد، که هر دو نماد تسلی‌دهنده‌اند، آنگاه که اشعیا می‌نویسد: «که فروپاشی‌اش ناگهان در یک دم فرامی‌رسد. و او آن را همچون شکستن ظرف کوزه‌گر که خرد شده است خواهد شکست؛ دریغ نخواهد کرد، به‌گونه‌ای که در شکستگی آن حتی پاره‌سفالی یافت نشود تا آتشی از اجاق بردارد یا آبی از گودال بکشد.» داوری ایشان «ناگهان» فرامی‌رسد، چنان‌که فریاد نیمه‌شب نشان می‌دهد، و آنگاه درمی‌یابند که برای به دست آوردن روغن دیر شده است. آتش و آب در شهادت اشعیا صرفاً بازنمایی دیگری از روغن در مثل ده باکره‌اند. روغن، آب و آتش نمایانگر منش‌اند؛ پیام را نمایندگی می‌کنند و نیز حضور تسلی‌دهنده را. هیچ‌یک از این نمادها هنگامی که داوری ده باکره «ناگهان» در یک دم فرامی‌رسد» به دست نمی‌آیند. آنگاه دیگر دیر است.

تنها امنیت در «بازگشت» است؛ همان وعده‌ای که به ارمیا داده شد، زمانی که او نماینده کسانی بود که در نخستین نومیدی دلسرد شدند. اگر قوم خدا به سوی او بازگردند، او نیز به سوی آنان بازخواهد گشت، اما سرکشان امتناع می‌ورزند و نوری که راه را روشن می‌کرد خاموش شد. نور آغازین همان «فریاد نیمه‌شب» بود و مسیر پیش رو با بازوی راست جلال‌آمیز مسیح تا ابدیت روشن می‌شد. مسیح پیشاپیش آنان که در مسیر بودند بود و نور پشت سر باید همان نور باشد، زیرا مسیح پایان مسیر را با آغاز مسیر ترسیم می‌کند. «فریاد نیمه‌شب» حقیقت حاضر بود و هست.

"اغلب توجه من به مثل ده باکره جلب می‌شود؛ پنج تن از آنان خردمند بودند و پنج تن نادان. این مثل مو به مو تحقق یافته و خواهد یافت، زیرا برای این زمان کاربردی ویژه دارد و، همچون پیام فرشته سوم، تحقق یافته و تا پایان زمان همچنان حقیقت حاضر خواهد بود." Review and Herald، ۱۹ اوت ۱۸۹۰.

اینکه بخواهند قدوس از پیش رویشان برداشته شود، نه تنها رد مسیح است، بلکه رد مسیح به‌عنوان آلفا و امگا. این، رد پیام فریاد نیمه‌شب است. پیام فریاد نیمه‌شب در آغاز جنبش ادونتیسیم، تصحیح آن پیشگویی ناکام بود.

شورش‌یانی که «راه‌های کهن» را رد کردند و «میزی» جعلی، جدا از صالحان، ساختند، همان‌گونه که تحقق «فریاد نیمه‌شب» در جنبش میلریتی آن را نشان داد. سپس «هزار» نفر «از توبیخ یک» گریختند و جنبش ناگهان از پنجاه هزار به پنجاه تن کاهش یافت. آنان به سبب همان «توبیخ» که از سوی «پنج» باکره دانا آمد گریختند؛ کسانی که به ایشان گفتند روغنی برای دادن ندارند و باید بروند و روغن خود را بخرند. جدایی نادانان از دانایان، باکره‌های دانا را «چون چراغی بر فراز کوه و چون پرچمی بر تپه» بر جای گذاشت. شورش باکره‌های نادان در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ نمونه شورش ۱۸۶۳ بود، زیرا ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ آغاز نوزده سالی بود که پایان «هفت بار» لاپیان بیست‌وشش را نمایندگی می‌کند. درباره این موضوع سخن بیشتری داریم، اما شورش ۱۸۴۴ نمونه شورش ۱۸۶۳ بود و نقطه‌ای را نشان می‌دهد که در آن «میز» جعلی ایجاد شد.

ترسی که باکره‌های نادان تجربه می‌کنند، همان ترسی است که هنگامی که باکره‌های دانا دوباره زنده می‌شوند و بر پاهای خود می‌ایستند، به تصویر کشیده می‌شود. در آن هنگام دیگر برای بازگشت از سرخوردگی ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ دیر شده است، و رخداد بعدی، عروج به آسمان است که در زمان قانون یکشنبه رخ می‌دهد. در همان زمان، زمین‌لرزه‌ای عظیم رخ می‌دهد.

و در همان ساعت زلزله‌ای بزرگ روی داد، و یک‌دهم شهر فرو ریخت، و در آن زلزله هفت هزار نفر از مردم کشته شدند؛ و بازماندگان به وحشت افتادند و به خدای آسمان جلال دادند. وای دوم گذشت؛ و اینک، وای سوم به زودی می‌آید. مکاشفه ۱۱:۱۳، ۱۴.

مکاشفه باب یازدهم بیان می‌کند که در جریان انقلاب فرانسه، یک‌دهم شهر سقوط کرد و در آن دوره، کشور فرانسه — کشوری که دو شاخ نبوی‌اش به سدوم و مصر تعبیر شده بودند — سرنگون شد. دو شاخ فرانسه نمونه دو شاخ ایالات متحده‌اند.

از نظر نبوت، فرانسه یکی از ده پادشاهی شمرده می‌شود که در دانیال فصل هفت نمایانگر روم بت‌پرستاند، و از این رو یک‌دهم پادشاهی (شهر) فرو ریخت. در واقع، از میان آن ده شاخ دانیال هفت که سرانجام در ۵۳۸ نهاد پاپی را بر تخت زمین نشانند، فرانسه پادشاهی اصلی بود که پاپی را استقرار بخشید. به عنوان یکی از ده قدرت دانیال هفت، فرانسه نماد نقش وحش زمینی دوشاخه مکاشفه سیزده است. ایالات متحده در پایان همان کاری را برای پاپی انجام می‌دهد که فرانسه در آغاز انجام داد. ایالات متحده قدرت برتر ده پادشاهی است که سازمان ملل متحد را نمایندگی می‌کنند، و در زلزله قانون یکشنبه سقوط می‌کند. به این آیات در نوشتار بعدی با تفصیل بیشتری خواهیم پرداخت.

یکی از محورهای اصلی این مقاله این است که این پیام، قوم خدا را به پا می‌خیزاند؛ زیرا تسلی‌دهنده‌ای که آنان را به پا می‌خیزاند نماد روغن است؛ روغنی که نه تنها نمایانگر روح‌القدس است، بلکه نمایانگر پیام‌هایی نیز هست که خدا برای قوم خود می‌فرستد. پیام باب یازدهم مکاشفه که موسی و الیاس را به پا می‌خیزاند، همچنین با وعده‌ای که به ارمیا داده شد نشان داده شده است.

پس خداوند چنین می‌گوید: اگر بازگردی، تو را باز خواهم آورد و در حضور من خواهی ایستاد؛ و اگر آنچه قیمتی است را از آنچه بی‌ارزش است بیرون آوری، چون دهان من خواهی بود. بگذار آنان نزد تو بازگردند، اما تو نزد ایشان باز مگرد. و تو را برای این قوم دیواری برنجین استوار خواهم ساخت؛ با تو خواهند جنگید، اما بر تو پیروز نخواهند شد، زیرا من با تو هستم تا تو را نجات داده و برهانم، می‌گوید خداوند. و تو را از دست شریکان رها خواهم ساخت و از چنگ زورآوران بازخواهم خرید. ارمیا ۱۹:۱۵-۲۱.

اشعیا نیز همین دعوت را کرده بود، آن‌گاه که گفت: «زیرا خداوند یهوه، قدوس اسرائیل، چنین می‌گوید: در بازگشت و آرامش نجات خواهید یافت.» اشعیا افزود که «بازگشت» در ارتباط با زمان درنگ آن مثل بود، زیرا نوشت: «و از این رو خداوند انتظار خواهد کشید تا بر شما فیض ببخشد، و از این رو سرافراز خواهد شد تا بر شما رحمت آورد؛ زیرا خداوند، خدای داوری است؛ خوشا به حال همه آنان که منتظر او می‌مانند.»

امتیاز «دهان» خدا بودن، به تعبیر ارمیا، همان امتیاز سخن گفتن از جانب خدا در زمانی است که ایالات متحده «چون اژدها سخن می‌گوید». سخنانی که در آن زمان از سوی قوم خدا بیان خواهد شد، هشدار نسبت به علامت وحش پاپی است. برای مشارکت در آن حرکت پرشکوه، لازم است که بازگردیم.

اگر بازگردی، ای اسرائیل، خداوند می‌گوید، نزد من بازگرد؛ و اگر رجاسانت را از برابر چشمان من دور کنی، آن‌گاه دیگر آواره نخواهی شد. و سوگند خواهی خورد: «خداوند زنده است»، در راستی،

در داوری و در عدالت؛ و امت‌ها در او برکت خواهند یافت و در او فخر خواهند کرد. زیرا خداوند چنین به مردمان یهودا و اورشلیم می‌گوید: زمین بایر خود را شخم بزنید و میان خارها نکاشید. برای خداوند خود را ختنه کنید و غلفه‌های دل خود را دور نمایید، ای مردان یهودا و ساکنان اورشلیم؛ مبادا خشم من چون آتش بیرون آید و بسوزد و کسی نتواند آن را خاموش کند، به سبب بدی اعمالتان. در یهودا اعلام کنید و در اورشلیم منتشر سازید و بگویید: در این سرزمین شیپور را بنوازید؛ فریاد برآورید، گرد هم آیید و بگویید: گرد آیید و به شهرهای محصور برویم. به سوی صهیون عَلم برافرازید؛ عقب‌نشینی کنید، درنگ مکنید؛ زیرا من بلایی از شمال و ویرانی عظیم می‌آورم. شیر از بیشه‌اش برآمده است، و نابودکننده امت‌ها در راه است؛ از جای خود برآمده تا سرزمینت را ویران سازد؛ و شهرهایت ویرانه خواهد شد، بی‌آن‌که ساکنی در آنها باشد. ارمیا ۴:۱-۷.

اما روح خداوند بر جدعون آمد و او در شیپور دمید؛ و ابیعزر پس از او گرد آمد. و او به سراسر منسی پیام‌آورانی فرستاد؛ ایشان نیز پس از او گرد آمدند؛ و او به سوی آشور، زبولون و نفتالی نیز پیام‌آورانی فرستاد؛ و آنان برای ملاقات ایشان برآمدند. داوران ۳۴:۶، ۳۵.